

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ سپتمبر ۲۰۲۲

"امارت اسلامی" نیازی به قانون اساسی ندارد!

یکشنبه - ۱۳ سنبله ۱۴۰۱ - کابل: عبدالکریم حیدر معین وزارت عدلیه در نظام ملاسالار امروز صریحاً اعلام داشت:

«در هر مملکت اسلامی قرآن عظیم الشان، سنت رسول الله(ص) و فقه همان مملکت اصل و متن قانون اساسی است در کلیات و جزئیات.» عبدالکریم حیدر افزود: «ما منتظر هدایت امیرالمؤمنین هستیم زمانی که وی هدایت به ایجاد قانون بدهد در همان وقت ما مطمئن هستیم که در زمان کوتاه یک قانون جامع که همه را جوابگو باشد، جور شود چون که ماخذ آن فقه حنفی، کتاب الله و سنت رسول الله است.»

۱- با یک نظر اجمالی در تاریخ حاکمیت های سیاسی و تفاوت بین انواع متعدد آن از حاکمیت های دموکراتیک گرفته تا مطلقه و استبدادی دیده می شود که در دو نوع حاکمیت یعنی "مطلقه" و "استبدادی" چیزی به نام قانون اساسی و یا غیر اساسی وجود ندارد، بلکه اراده شخص زمامدار از شاه گرفته تا امیرالمؤمنین و حتی جمهوریت های نام نهادی مانند آنچه در چلی، عراق، افغانستان، فلپین زمان مارکوس، اندونیزیای زمان سوهارتو و ده ها نمونه خرد و بزرگ دیگر آن وجود داشت، در تمام آنها اراده شخص زمامدار حکم قانون را داشته، اگر در برخی از آنها کاغذ پاره ای به نام قانون اساسی نیز وجود داشت، برگ ساتری بود برای پوشاندن دیکتاتوری عربان زمامدار.

۲- این که بین انواع آن نظامها چه اختلافاتی وجود داشت از موضوع بحث ما بیرون است، همین اندازه کافیت بدانیم که تنها اختلاف بین یک حاکمیت مطلقه و حاکمیت استبدادی در آن است، که در حاکمیت مطلقه، زمامدار چه خود را سلطان و یا شاه بنامد و یا امیرالمؤمنین، در اساس از "حق الهی حاکمیت" خود را برخوردار دانسته اراده خودش را برتر از تمام قوانین و مقررات موجود و یا گذشته می داند، در حالی که در یک حاکمیت استبدادی، زمامدار به همان رویکش مذهبی و "حق الهی حاکمیت" نیز نیاز احساس ننموده، با زورسرنیزه و میله تفنگ امیال و اهدافش را بر دیگران می قبولاند.

۳- آنچه ما در کشور خود ما افغانستان داریم، معجون مرکبی است از این دو نوع حاکمیت. یعنی از یک سو امیرالمؤمنین خود را برگزیده خدا می داند و ادعای "حق الهی حاکمیت" را دارد و از جانب دیگر، آنهایی را که به این

حق تمکین نکنند، با زور سرنیزه و میله تفنگ وادار به تمکین و تسلیم نموده، به هیچ کسی به جز نهاد های امنیتی- استخباراتی که او را به قدرت رسانده اند پاسخگو نمی باشد.

از همین رو هیچ نیازی به قانون اساسی و سایر قوانین ندارد، در همه حال اراده شخص خودش حکم قانون را دارد.

۴- طرح ایجاد قانون اساسی در نظام ملاسالار، از اساس یا برخاسته از کمبود فهم از ماهیت حاکمیت های مطلقه و استبدادی است و یا هم یک کلاهبرداری سیاسی. کلاه برداری سیاسی بدین معنا، که طرفداران چنین نظامهایی بدون آن که نیت اصلی شان را که قابل قبول و پذیرش ساختن نظام شان از طرف مردم باشد، صریحاً بیان دارند، می خواهند به جای درب، از پنجره داخل اتاق شده، با طرح ایجاد قانون اساسی در چنین نظامی، نفس موجودیت چنین نظامی را امر قبول شده معرفی داشته مخالفت با آن را ضد قانونی تبلیغ بدارند.

هموطنان گرامی!

نفس و ذات بحث ایجاد قانون اساسی در نظام ملاسالار به جز کلاهبرداری سیاسی چیز دیگری نیست. ما این را می دانیم که نظام ملاسالار با بستن حیات اجتماعی ما و تکامل جامعه به دم خر، قرآن، سنت و فقه حنفی و یا انواع دیگر آن، چه به مبنای فرامین "امیرالمؤمنین" باشد چه بر مبنای "قانون اساسی" دست ساخت "امیر المؤمنین" و کاسه لیسانش، عقبگردیست به درازنای ۱۴۰۰ سال.

مشکل ما این نیست که دختران ما را به فرمان "امیر المؤمنین" از رفتن به مکتب بازدارند و یا بر مبنای قانونی که وی و اعوان و انصارش ساخته اند، مشکل ما این است که اساساً هیچ فرد و یا قانونی حق ندارد چنین جنایتی را در حق دختران و خواهران ما مرتکب گردد؛ مشکل ما این نیست که حقوق و آزادیهای دموکراتیک ما را فرمان "امیر" لغو نماید و یا "قانون امیر"، مشکل ما آن است که اساساً با لغو و زیر پای نمودن حقوق و آزادیهای دموکراتیک خویش مخالفیم و علیه آن مبارزه می کنیم؛ مشکل ما این نیست که زنان کشور را "امیر" به زندان و تجرید از جامعه محکوم می نماید و یا قانون دست ساخت امیر"، بلکه مشکل ما آن است که اساساً با چنان دیدی که مخالف تساوی حقوقی و آزادیهای دموکراتیک زنان باشد، مخالف هستیم و آن را ضد انسانی می دانیم.

هموطنان گرامی!

طرح ایجاد "قانون اساسی" که این روز ها از جانب باند "گلبدین" و شخص خودش مطرح می گردد، تلاش فریبکارانه ایست به نفع طالب و جهت تحکیم نظام ملاسالار تا این نظام ضد زن، ضد دموکراتیک و ضد ترقی را بر ما زیر نام قانون بقبولانند، این را باید بدانیم در چنین نظامهایی آنچه به نام قانون بیرون داده می شود، به منظور محدود ساختن صلاحیت های حاکمیت ها نیست، بلکه "طناب اسارت خلق" هاست در پوشش قانون و سوءاستفاده از نام قانون.

هموطنان گرامی!

ما رسماً و علناً اعلام داشته ایم که دشمن این نظام هستیم چه ورق پاره ای به نام قانون داشته باشد و چه نداشته باشد، بیائید تلاش نمائیم تا این نظام را از بن سرنگون و مردم ما را از قید مظالم و جنایات آن رها سازیم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!